



هم نظرم این بود که یکی از مهم‌ترین اقدامات، رسیدگی به پیش پا افتاده‌ترین مسائل مردم است. اگر این مشکلات حل نشود شعارهای ما راجع به رفاه و کیفیت زندگی و... باورپذیر نمی‌شود. حال چطور ممکن است یک دولت نتواند جلوی توقیف فیلمی را بگیرد که صرفاً بر اساس سوء تفاهم دچار مشکل شده است. وضعیت سینمای ایران در دوران احمدی نژاد فرازونشیب‌های متناقضی داشت. آزادسازی فیلم‌های توقیفی در شرایطی که به بدیهی‌ترین مسائل سینما احترام گذاشته نمی‌شد برای ما جالب بود. این اتفاق‌های متناقض اجازه نمی‌داد که اعتمادی یک دست و پایدار شکل بگیرد و مشخص نبود که این موارد گشاینده هستند یا تبلیغات ناپایدار. به هر حال خوشحالم که ششمدری شرایطی را برای نمایش و آزاد شدن تعدادی فیلم مهیا کرد. گاهی اوقات هم بدبینانه نگاه می‌کنم و فکر می‌کنم ممکن است این فیلم‌ها سلیقه‌ای توقیف شده باشد. در حواشی ایجاد شده برای فیلم «خانه پدری» مجلس را علت توقیف این فیلم عنوان می‌کردند اما آقای الیاس حضرتی اعلام کردند که مجلس فیلم را ندیده است. این تناقضات همه چیز را از هم می‌پاشد. این عنصر خودسانسوری را که طی سال‌ها در ما نهادینه شده است باید تضعیف کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های آن ایجاد اعتماد است. اعتماد ما به مسئولانی که واقعاً برای راهگشایی و حمایت ما آمده‌اند و نه برای کنترل.

امیر یوسفی: در دوران آقای ششمدری فرهنگ و هنر یک استفاده تبلیغاتی برای دولت بود و بر این اساس برخی فیلم‌ها از توقیف بیرون آمد. اگر چه این استفاده تبلیغاتی به نفع سینما تمام شد اما می‌دانیم که دلباخته سینما نبودند مثل بسته شدن خانه سینما و شکاف عمیقی که بین سینماگران و دولت به وجود آمد. خیلی ساده لوحانه است که بخواهیم دولت اعتدال را با دولت قبلی مقایسه کنیم. مردم این دولت را آوردند و توقعاتی داشتند. دولت روحانی در حوزه فعالیت‌های مربوط به وزارت خارجه با وجود فشارهایی که وجود داشت نمره قبولی گرفت. در حوزه اقتصادی وضعیت متوسط است اما در حوزه فرهنگ نمره من به این دولت بسیار پایین است. به وجود آمدن گروه هنر و تجربه تنها اتفاق مثبت این دوره است که تکلیف فیلم‌هایی که سال‌ها پشت خط‌اکران مانده بودند مشخص شد، اما کلیت اتفاقی که در حوزه فرهنگ و هنر افتاد در قامت ریاست جمهوری آقای روحانی نبود که با آن جمله طلایی «من حقوقدان هستم و نه سرهنگ» دل همه را برسد؛ اما متأسفم که بگویم برخوردها در حوزه سینما سرهنگی بود و نه از جنس حقوق. این واقعیت است و اعتراض نیست. در انتخابات سال آینده گزینه‌ای بهتر از آقای روحانی نداریم، امیدوارم که سال دیگر همین جانشسته باشیم و شما بگویید دیدید که در دوره جدید آقای روحانی، فضای فرهنگ عوض شد.

عیاری: من به تناقضاتی که فیلمسازان را بر سر دوراهی قرار می‌دهد اشاره کردم. دولت آقای روحانی در ماجرای عزل علی جنتی او را به دلیل سازش‌ها و انفعال‌هایی که در ارتباط با لغو کنسرت‌ها بخصوص در مشهد اتفاق افتاد تحت فشار قرار داد اما برای مشکلات حوزه سینما هیچ‌گاه شاهد چنین واکنش‌هایی نبودیم. برای فیلم «خانه پدری» دائم اعلام می‌کردند که مجلس مخالف‌اکران فیلم است و سنگ اندازی می‌کند در حالی که مجلس اعلام می‌کند در جریان‌اکران این فیلم نبوده و به این ماجرا ورود نکرده است.

دلیل پایین کشیدن خانه پدری چه بود؟

عیاری: گفتند مجلس اعلام کرده که اگر فیلم پایین کشیده نشود وزیر استیضاح خواهد شد. در دومین روز فیلم پایین کشیده شد.

امیر یوسفی: تصور کنید اگر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به خاطر فیلم «خانه پدری» استیضاح می‌شد چه پایان با شکوهی برای آقای جنتی بود.

عیاری: درست مثل ورزشکاری که در بزنگاه درست بازی خداحافظی را انجام می‌دهد.

جاهد: یعنی شما معتقدید که سازمان سینمایی در مقابل فشارها، از مجوزی که خودش می‌دهد دفاع نمی‌کند و این

بازگردند. بازگشایی خانه سینما گام خیلی مثبتی بود. فضای گفت‌وگوی خوبی شکل گرفت و مدیریت می‌توانست حداقل حرف سینماگران را گوش کند. حرکت‌های خوبی مثل رفع توقیف برخی فیلم‌ها از جمله «قصه‌ها» هم انجام شد اما خیلی زود عقب‌نشینی کردند؛ مثل «خانه پدری» که بعد از دو روز‌اکران از پرده سینما پایین کشیده شد. در مقابل فشارهایی که از جانب نیروهای راست یا محافظه‌کار وارد شد آنقدر عقب‌نشینی کردند که کار بالا گرفت و منجر به استعفای وزیر شد.

عیاری: یک ماه قبل از انتخاب آقای روحانی به عنوان ریاست جمهوری در پاسخ به این سؤال که انتظاراتان از دولت احتمالی آقای روحانی چیست، گفتم نخستین و مهم‌ترین کار آقای روحانی آزادسازی فیلم «خانه پدری» است. عده‌ای حرف من را شوخی تلقی کردند. همین‌طور هم بود؛ اما باور من این بود که در مقابل معضلات بزرگی چون بیکاری، فقر و حقوق بشر... آزادی «خانه پدری» مشکل بزرگی نیست و اگر مشکل این فیلم حل شود حتماً برای کارهای مهم‌تر هم ممکن است تدبیری کنند. اوایل انقلاب کسانی حرف زدن راجع به مترو را بجنی انحرافی و پیش پا افتاده برای دولت نوپای جمهوری اسلامی می‌دانستند اما همان موقع

سینما دوره‌ای پراز بحران را پشت سر گذاشت که همه ما با مشخصات آن دوران آشنا هستیم. مدیریت سینمایی دولت یازدهم در قامت از بین بردن چالش‌ها و رسیدن به ثبات به میدان آمد. رویکردی که انتظارات و امیدهای زیادی را در اهالی سینما ایجاد کرد. به اعتقاد شما به کدام بخش از این توقعات در این سال‌ها پاسخ داده شد و چه بخشی همچنان به عنوان مطالبات اهالی سینما باقی مانده است؟

جاهد: به نظرم مدیریت قبلی خیلی با سینماگراها فاصله داشت. شکاف وحشتناکی بین سینماگراها و مدیریت سینمایی به وجود آمده بود. بی‌اعتمادی وحشتناکی که بسته شدن خانه سینما خیلی به آن دامن زد. مدیریت سینمایی با همه اصناف سینمایی در افتاده بود. ششمدری اگر چه شروع خوبی داشت و خیلی از فیلم‌ها از بند توقیف آزاد شد و این امید را ایجاد کرد که سانسور و ممیزی کمتر خواهد شد ولی بتدریج ماهیت واقعی خودش را نشان داد. مدیریت سینمایی دولت قبل نشان داد که اهل مدارا و تعامل با سینماگران نیست و فضابسته و بسته‌تر شد. با آمدن آقای روحانی و تغییر مدیریت سینمایی، چشم انداز واقع‌تازه‌ای به روی سینماگران ایرانی باز و این امید ایجاد شد که در فصل تازه فیلمسازانی که حاشیه‌نشین شده بودند می‌توانند